

انقلاب تونس، محصول قیام مردم

برای تحلیل مشخص تغییرات اخیر در تونس بهتر خواهد بود، روی مشخصات ساختاری کشور تونس مکث مختصری کرد و بعد از آن روپوشها را درید و کتمانگریهای ارتجاع داخلی تونس و پشتیبانان خارجی شان به ویژه فرانسه و ایتالیا را روشن ساخت.

جمهوری تونس که در شمال افریقا واقع شده دارای مساحت (۱۶۳ هزار و ۶۱۰) کیلومتر مربع بوده و (۱۰ میلیون و ۲۷۶ هزار و ۱۵۸) نفر جمعیت دارد. (۹۸) در صد جمعیت این کشور را اعراب تشکیل میدهند. مهاجرین تونسی در همه کشورهای جهان زنده گی میکنند که از جمله در فرانسه (۶۰۰ هزار) نفر، در ایتالیا (۱۴۳ هزار) نفر، در آلمان (۸۰ هزار) نفر، در ایالات متحده آمریکا (۲۶ هزار) نفر و به همین ترتیب تعداد زیادی در کشورهای عربی، به خصوص کشورهای خلیج اقامت دارند که در این کشورها صرفاً تعداد کارگران ماهر و انجنیران تونسی مهاجر به (۲۴ هزار و ۶۵۵) نفر میرسد.

نودو هشت در صد مردم تونس مسلمان هستند که در بین آنها مذهب مالکی سنی هشتاد و پنج در صد و متباقی سنیهای حنفی مذهب هستند. دو در صد جمعیت آن را مسیحیان، یهودیان و پیروان سایر ادیان تشکیل میدهند. زبان رسمی کشور عربی تونسی بوده و بنابر تسلط سالیان دراز فرانسویها، زبان فرانسوی به حیث زبان دوم کشور در آمده است.

اگر دقت کنیم انقلاب دموکراتیک در تونس به طور شتابان مراحل نخستین اش را که سلب قدرت از «زین العابدین بن علی» دیکتاتور مورد حمایت غرب و ایالات متحده آمریکا بود، در مقطع زمانی تقریباً یکماه و اندکی پشت سر گذاشت و اما طوریکه ارزیابیهای حزب کمونیستی کارگری تونس گواه است: "نیمه راه انقلابی طی شده است و نیمه راه دگر در برابر آنان قرارداد".

اما دریغ که این نیمه راه دومی خیلیها پر از فراز و نشیب خواهد بود و امپریالیزم گلوبال همه موانع را در سر راه خواسته های بر حق مردم تونس ایجاد خواهد کرد تا پروسه دموکراتیزه ساختن حیات اجتماعی به مشکلات عدیده مواجه گردد، زیرا این مطلب از خصلت ضد انسانی امپریالیزم و نظام اجتماعی - اقتصادی آن یعنی سرمایه داری ناشی میگردد.

این نیمه راه را میتوان به مراحل مختلف دسته بندی کرد، که دشوارترین آن هم اکنون در ایجاد حکومت انتقالی نهفته است که آیا مردم در برابر بورژوازی بزرگ تونس تا آن حدود مقاومت میکنند تا حکومت خواست خودشان را به میان آورند و بعداً به سوی انتخابات واقعاً دموکراتیک بروند؟ و یا این که تزویر ارتجاع داخلی و خارجی کاری افتاده و در قدم نخست با آوردن ریفورمها؛ مردم را از پیگیری مبارزه آغاز یافته کنار برده و در نهایت قدرت را در میانه خودشان نگهدارند و گذشته های دیکتاتوری دوباره یکی پی دیگری به شیوه شدید تر از گذشته تکرار گردند.

اگر نظری به چند ماه گذشته بیاندازیم، می بینیم که "ویکی لیکس" به تاریخ (۱۷ جولای ۲۰۰۹) یکی از اسناد محرّم سفارت ایالات متحده را از تونس به دست نشر سپرد و در آن مناسبات تونس - امریکا را تصویر نموده و تأکید میکند که این مناسبات جداً مداخله و واشنگتن را ضرورت دارد. در بررسیهای بعدی به دشواریهای تونس که هنوز حل نشده اند، اشاره میشود و طالب هدایت در زمینه کار بست اقدام مؤثر میگردند درین سند همچنان توضیح میگردد که «بن علی» نمیتواند نظر به کبر سن مورد اعتماد باشد، زیرا وی و رژیم موجوده اش؛ کاملاً بد نام گردیده و در تمام مقامهای فعلی فرد مطلوبی برای جانشینی وی وجود ندارد. «بن علی» اصلاً نه مشوره را می پذیرد و نه به انتقاد واقعی قایل است. کاملاً بی تفاوت است که این مطالب از داخل و یا از جانب نیروهای بین المللی طرح گردد و بالاخر در نتیجه گیری چنین ذکر میگردد که باید از تغییرات اساسی الی برکناری موصوف صرف نظر شود و با انکشاف بعدی اوضاع پیوند داده شود.

در ادامه ذکر میگردد که سیاست رئیس جمهور «اوباما» امکانات وسیع پیاده شدن را دارد. زیرا امکانات برای عملی نمودن ریفورمهای دموکراتیک و پشتیبانی از حقوق بشر خلیها مساعد است. باید کمکهای تسلیحاتی را به راه های نوینی سمتهی کرد و آن این که همکاری امنیتی و همکاری خدمات اطلاعاتی مخفی را جا گزین آن ساخت و حکومت تونس را متقاعد ساخت تا ریفورمهای سیاسی را تشدید بخشیده و میانه راه های جدیدی را سراغ بیند. درین زمینه ها ایالات متحده امریکا، آلمان و انگلستان هم نظر بودند، ولی فرانسه و ایتالیا از تعمیل فشار بر حکومت تونس احتراز کردند.

اخطارهایی از جانب اتشه نظامی فرانسه در ماه اکتوبر (۲۰۱۰) در زمینه فروپاشی حکومت «بن علی» در یکی از مجله های انتقادی کمیک فرانسه «Canard enchaîné» تا حدود زیادی نا دیده گرفته شده و به آن توجهی صورت نگرفت. زمانیکه حوادث رشد بیشتر میابند و نیروهای پولیس و نیروهای امنیتی تونس توان مقابله با موج عظیم نیروی مردم را درخود نمی بینند، جنرال مؤظف نیروهای امریکایی در (افریکوم)، (ویلپلم وورد) با جنرال «رشید عمار» به مذاکره پرداخته و از وی تقاضای اعزام نیروهای اردو و ضرورت گشودن آتش به روی قیام کننده گان را میکند. جنرال تونسی که وضع را با دقت تحلیل کرده و میداند که در برابر موج عظیم مردم گشودن آتش نه تنها بیمورد است، بل، میتواند در جهت مخالف آن حوادث را سیر دهد این درخواست را رد میکند. بنابراین سرمایه داری نیو لیبرال با برآشفته گیی که خصیصه سیستم در حال زوالش است، روابط با تونس را تیره ارزیابی کرده و کمکهایش را تا تصمیم بعدی متوقف میسازد. این که میگویند، بخشهایی از اردو با مردم در آمیخته اند و یا اردو از جانب «بن علی» مورد تفقد و توجه قرار نگرفته است، تبلیغات بی پایه و دور از واقعیت است. پُر اهمیت این است که بیداری مردم، به تکان خوردن تعدادی از سیاستمداران انجامیده و امروز به آن نقطه یی رسیده که از اوامر بانیان سرمایه داری نیو لیبرال و غارتگر گلوبال سرباز میزنند و

میدانند که به سرنوشت «بن علی»، «مبارک» و همقطاران شان مبتلا خواهند شد. روی دیگر مطلب این است که آنان سالیان دراز در خواب غفلت فرو رفته و به خاطر زر اندوزی، مردم خویش را فراموش نموده و همه خوشبختیهای شان را در موجودیت امریکا - ناتو میدیدند و تصور میکردند که واقعاً امریکا - ناتو به خاطر آینده پُر سعادت آنان حتی حاضر است جان سربازان شان را قربان کنند و سعادت مردم تونس را تأمین نمایند و اما اینک به ساده گی دریافتند که امریکا - ناتو به خاطر خواسته های خودشان تونس را مورد حمایه قرار میدادند و در فرجام نتوانستند حتی از اولین آستانبوس شان در تونس دفاع نموده و وی را حداقل برای مدت زمان محدودی پناه سیاسی بدهند. درین میان وزیر خارجهء فرانسه در اواخر سال (۲۰۱۰) اعزام نیروهای پولیس و امنیت را با «بن علی» طرح کرد و چنین وانمود کرد که گویا نیروهای امنیتی خود را بررسی مثبت کرده و معتقد است که آنان برای مهار ساختن اینگونه قیامها آماده گی کامل داشته و میتوانند وضع را در تونس هرچه زودتر تحت کنترل درآورند. جالب این است که اصلاً توافق جانب تونس معلوم نبوده، ولی طیاره های نظامی حامل کلیه ضروریات داخل و عقب جبهه منتظر پرواز و حمل نیرو های متذکره بودند. این مطلب هم رهگشای خواسته های نیولیبرالها نشد و همان بود که افسانه انتقال غیرقانونی یک و نیم تن طلا از بانک مرکزی تونس توسط "لیلا بن علی" را اداره ریاست جمهوری فرانسه پخش کرد و در چهارهزاروپنجاه و سه صفحه انترنتی همزمان به نشر رسید، حال آنکه رئیس بانک مرکزی تونس آنرا چندین بار تکذیب نموده بود.

در ادامه این بررسیها میخوانیم که رایه فاکتها تعیین کننده نیست، بل، فاکتها جنبه های تبلیغاتی دارند، با اهمیت تر این است که از گسترش قیام جلوگیری شود و ساختار مافیایی - طراحان و گرداننده گان جلوگیری از گسترش قیام که همه از کشور های امریکا - ناتو هستند - باید در محدوده فامیل «بن علی» باقی بماند. بدین معنی که از دادن معلومات بیشتر درین زمینه خودداری شود. انقلاب را باید تحریف کرد و از قیام مردم نباید سخنی در میان باشد، بل، به مردم تفهیم انقلاب "یاسمنی" گردد (بیاد داشته باشیم که بازی با رنگها زمانی در اوکراین نیز نقش خود را ایفا کرد، آن زمان صدور سرمایه داری نیولیبرال زیرنام انقلاب نارنجی به مردم عرضه گردید) و سرانجام خیلیها توجه شود تا سیستم با روکش دموکراتیک حفظ گردد.

در اینجا میرسیم به ساختار حکومت انتقالی که گویا ائتلافی از سازمانها و احزاب شامل قیام است. درخور توجه است که «محمد غنوشی» دوست نزدیک «بن علی» به صفت نخست وزیر، شش تن از وزرای سابق که اغلباً در پُستهای کلیدی - وزارتهای دفاع، خارجه و داخله - ایفای وظیفه میکردند و اکنون به وظایف شان ادامه میدهند، به اضافه رئیس حزب اسلامی تونس «احمد ابراهیم» که تا هنوز وفادار به رژیم گذشته است و نماینده حزب سوسیال - لیبرال تونس "احمد نجیب شیبی" که از جمله نزدیکان ایالات متحده و نماینده بورژوازی بزرگ تونس به شمار می آید، شامل این ائتلاف قیام

کننده گان هستند. بدین ترتیب جمعاً نه نفر که اکثریت کابینه را تشکیل می‌دهند و در قیام نی تنها شرکت نداشته اند، بل، در ضدیت با آن عمل کرده و می‌خواهند درباره آینده مردم بپا خاسته تونس تصمیم بگیرند. زیرا سه نماینده سندیکاها که از انتصاب شان به پُستهای وزارتخانه ها از طریق تلویزیون تونس اطلاع به دست آوردند، اصلاً دست به کار نشدند و همان روز اول برین تصمیم اعتراض نموده و حاضر به اشغال کرسیها نشدند. مصطفی بن جعفر نماینده چپ دموکراتیک بلافاصله استعفا داد و اضافه کرد، تا زمانیکه کهنه کاران در قدرت سهمیم باشند حاضر به سهمگیری در کابینه و یا کدام پُست دیگری نیست، زیرا این مطلب خود به حکومت نابکار گذشته جنبه قانونی می بخشد. ناگفته نباید گذاشت که طرح پلانهای چون فراهم آوری زمینه فرار بن علی، حکومت انتقالی، سرکوب قیام مردم، سرکوبی مقاومت و مداخله در کمیته های نظم عامه مردمی و بالاخر سازماندهی چور و چپاولگریها و به غارت بردن داراییهای مردم - ساخته ائتلاف نام نهاد فوق نه، بل، اجزای همان پلانهای دورنمایی است که در سفارت ایالات متحده طراحی شده و به وسیله دشمنان مردم تونس عملی میگردند. بورژوازی امریکا و اتحادیه اروپا چنان وانمود میسازند که گویا غافلگیر شده اند و از آنجایی که راه حل دیگری را نمی بینند و در نظر دارند تا مردم را دوباره از راه های دماغوژیک در اختیار خود داشته باشند، انکشافها را استقبال کرده و نتایج آنرا مثبت ارزیابی میکنند. این که آنان چرا چنین نظر می‌دهند، وضاحت دارد؛ زیرا تا همین اکنون مسأله مالکیت دست نخورده باقی است و امریکا - ناتو باز هم زمینه های مداخلات شان را مساعد میدانند.

ولی این مطلب باید در مخیله شان جاگزين گردد که این مردم است که تاریخ خود را می سازد و اگر مردم بخواهد، هیچ نیرویی جلو حرکت شان را گرفته نمی تواند.

در کنار این واقعیت مبرهن می‌گردد که انقلابها برای سرنگونی دیکتاتوریهها و برقراری حکومتهای دموکراتیک، می تواند بدون توسل به خشونت و تجهیزات جنگی به راه انداخته شود، زیرا توده های وسیع مردم از آن پشتیبانی میکنند.

نظام سرمایه داری که وارد مرحله گلوبال خود گردیده نه تنها بحرانهای دورانی و سیستمی خود را حل کرده نمیتواند، بل، قادر به حل دشواریهای موجود جهان که ناشی از استثمار بیرحمانه مردم و به غارت بردن ثروتهای طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شان است، نیز نیست و موفق نمیشود تا به فقر و بیکاری پایان دهد. برخلاف در تشدید این وضعیت یاری میرساند.

با اعتقاد میتوان گفت که پیروزی از آن مردم تونس است و راه دیگری به غیر از افشای دشمنان مردم را نمیتوان سراغ کرد، زیرا در صورت تحکیم مجدد مواضع قدرت طبق حاکم استثمارگر باز هم به جان مردم افتاده و خشونت را افزون میسازند.